

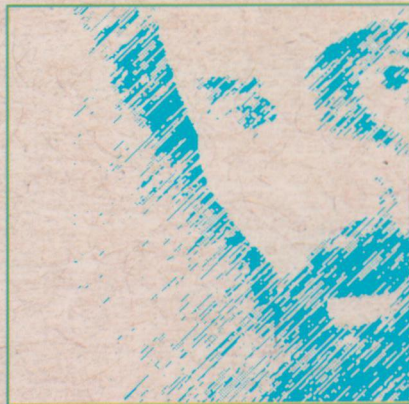


موسسه لغت نامه و هنر  
و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی

# شعر معاصر ایران

برای آموزش به غیر فارسی زبانان

دکتر ضیاء قاسمی



سرشناسه: قاسمی، سید ضیاءالدین، ۱۳۵۰-  
عنوان و نام پدیدآور: شعر معاصر ایران برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان / تألیف سید ضیاءالدین قاسمی  
مشخصات نشر: تهران، دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا: مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، ۱۳۹۸  
مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص، ۱۷×۲۴ س. م.  
شابک: ۰-۲-۹۶۰۱۰-۹۶۲۲-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها  
موضوع: Persian Poetry - 20th century -- Collections  
موضوع: فارسی - کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان - پرسش‌ها و پاسخ‌ها  
موضوع: Persian language - Textbooks for foreign speakers - Questions and answers  
رده بندی کنگره: PIR۴۱۹۰  
رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲۰۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۸۶۴۵۱

عنوان: شعر معاصر ایران برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان  
تألیف: سید ضیاءالدین قاسمی  
گرافیکست: مهدی تجلی  
ناشر: دانشگاه تهران (مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی)  
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهار راه پارک وی، پلاک ۳۰۱۱، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا  
و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی  
نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۳۹۸  
چاپ: کارنگ  
شمارگان: ۱۰۰۰  
قیمت: ۵۰۰/۰۰۰ ریال

# شعر معاصر ایران

برای آموزش به غیر فارسی زبانان

دکتر ضیاء قاسمی



مؤسسه لغت نامه دهخدا  
و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی

صفحه

|     |  |
|-----|--|
| ۱۱  | پیش‌گفتار .....                                  |
| ۱۳  | مقدمه .....                                      |
| ۲۳  | درس اول: ملک الشعراء بهار .....                  |
| ۳۵  | درس دوم: محمد فرخی یزدی .....                    |
| ۴۳  | درس سوم: نیما یوشیج .....                        |
| ۵۳  | درس چهارم: پژمان بختیاری .....                   |
| ۶۱  | درس پنجم: پروین اعتصامی .....                    |
| ۶۹  | درس ششم: محمد حسین شهریار .....                  |
| ۷۷  | درس هفتم: رهی معیری .....                        |
| ۸۵  | درس هشتم: گلچین گیلانی .....                     |
| ۱۰۱ | درس نهم: احمد شاملو .....                        |
| ۱۱۱ | درس دهم: فریدون مشیری .....                      |
| ۱۱۹ | درس یازدهم: سیمین بهبهانی .....                  |
| ۱۲۵ | درس دوازدهم: هوشنگ ابتهاج .....                  |
| ۱۳۳ | درس سیزدهم: سهراب سپهری .....                    |
| ۱۴۳ | درس چهاردهم: مهدی اخوان ثالث .....               |
| ۱۵۳ | درس پانزدهم: نادر نادرپور .....                  |
| ۱۶۳ | درس شانزدهم: فروغ فرخزاد .....                   |
| ۱۷۳ | درس هفدهم: محمدرضا شفیعی کدکنی .....             |
| ۱۸۱ | درس هجدهم: محمد علی بهمنی .....                  |
| ۱۸۷ | درس نوزدهم: حسین منزوی .....                     |
| ۱۹۳ | درس بیستم: شعر فارسی در دوره بعد از انقلاب ..... |
| ۲۰۱ | کتابنامه .....                                   |

در این کتاب، شعر فارسی ایران در سدهٔ معاصر، یعنی تقریباً از سال ۱۳۰۰ خورشیدی تا اکنون، نزدیک به ۱۴۰۰ خورشیدی، بررسی می‌شود. ایران در دورهٔ معاصر دستخوش دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های زیادی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ادبی بوده است. شعر معاصر فارسی نیز در این دوره شاهد دگرگونی‌های زیادی شده است. این دگرگونی‌ها بر گرایش‌های موجود در شعر معاصر فارسی در ایران تاثیر نهاده‌اند. این گرایش‌ها را بر اساس مقدار پایبندی به معیارهای شعر سنتی یا از سوی دیگر تمایل به نوگرایی می‌توان به سه دستهٔ سنت‌گرای، میانه‌گرایی و نوگرایی تقسیم کرد. با این حال با توجه به این حقیقت که در آثار تقریباً همهٔ شاعران معاصر مسیر نوگرایی مشاهده می‌شود، در این کتاب، شاعران براساس گرایش‌های مذکور دسته‌بندی نشده‌اند و ترتیب معرفی آنها براساس سال تولدشان بوده است.

با توجه به اینکه این کتاب کتابی درسی است و در تهیهٔ محتوای آن با محدودیت حجم مواجه بوده‌ایم، معرفی همهٔ شاعران معاصر و آوردن نمونه‌هایی از آثار آنها امکان‌پذیر نبوده است. علاوه بر شاعران معرفی شده در این کتاب، شاعران خوب و معروف دیگری نیز در عرصهٔ شعر معاصر فارسی وجود دارند که امکان بررسی آثار آنها در این کتاب نبوده است و پرداختن به آثار آنها به مجال دیگری موقوف می‌شود. تعدادی از این شاعران عبارتند از: ادیب‌الممالک فراهانی، عارف قزوینی، ایرج میرزا، اشرف‌الدین حسینی گیلانی، میرزادهٔ عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، فریدون توللی، نصرت رحمانی، حمید مصدق، محمود مشرف آزاد تهرانی، سیاوش کسری، منوچهر آتشی، یدالله رویایی، محمد علی سپانلو، علی باباچاهی، احمد رضا احمدی و محمد شمس لنگرودی. این شاعران و شاعران عزیز دیگر آثاری ارزشمند پدید آورده‌اند و از اینکه آثارشان در این کتاب نیامده است مولف کتاب از آنها و دوستانشان پوزش می‌خواهد.

در اینجا فرصت را غنیمت می‌شمرم تا از الطاف همکاران ارجمندم جناب آقای دکتر علی درزی، ریاست مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، جناب آقای عباس پهلوانی، معاونت مؤسسه و جناب آقای مهدی تجلی، مدیر هنری مؤسسه که در تهیهٔ این کتاب کوشش بسیار کردند، سپاسگزاری نمایم.

مخاطبان اصلی این کتاب، غیرفارسی‌زبانانی هستند که زبان فارسی آموخته‌اند و در حال تقویت زبان فارسی و آشنایی با ادبیات فارسی هستند. امیدوارم که این کتاب در معرفی ادبیات فارسی و فرهنگ غنی ایران عزیزمان، گامی به پیش محسوب شود.

دکتر سید ضیاءالدین قاسمی



در شعر معاصر فارسی ایران بر اساس میزان پابندی شاعران به شعر سنتی یا تمایل آنها به نوگرایی، سه رویکرد اصلی دیده می‌شود. رویکرد اول سنت‌گرایی است. در شعر معاصر فارسی، دسته‌ای از شاعران به شعر سنتی فارسی پایبند ماندند و همان مسیر شعر سنتی را ادامه دادند. در آثار این دسته از شاعران که شاید بتوان آنان را سنت‌گرا نامید، در حد کمتری توجه به زبان امروزی‌تر و مضامین نو دیده می‌شود. رویکرد دوم میانه‌گرایی است و این دسته از شاعران را شاید بتوان میانه‌گرا نامید. در این رویکرد، شاعران اگرچه در بیشتر شعرهای خود به شعر سنتی پای بند بوده‌اند برای نزدیک شدن به بیان روزمره و پرداختن به مضامین نو و ایجاد تحول در اصول شعر سنتی تلاش کرده‌اند. آنان سعی کرده‌اند در بعضی از مبانی شعر سنتی نظیر قالب و وزن تحول ایجاد کنند، به شیوه بیان امروزی‌تر نزدیک بشوند و به مضامین نو روی بیاورند. بعضی از این شاعران هم اشعار سنتی دارند هم دارای شعرهای نو هستند (یا حقی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). رویکرد سوم نوگرایی است. تعدادی از شاعران که می‌توان آنان را نوگرا دانست از مسیر شعر سنتی به طور کامل جدا شده و هم در فرم هم در محتوا نوآوری کرده‌اند. این رویکرد منجر به دگرگونی شعر سنتی هزار ساله فارسی و پیدایش شعر نو و سرانجام شعر آزاد (سپید) شده است.

برای تحول بزرگ شعر فارسی در دوره معاصر دست کم سه دلیل می‌توان در نظر گرفت. دلیل اول احساس نیاز به تحول شعر فارسی در میان شاعران و اندیشمندان عرصه ادبیات فارسی بود (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۳۲۹). در نگاهی کلی به پیشینه شعر فارسی، شاید بتوان گفت که پس از نورالدین عبدالرحمان جامی در قرن نهم و صائب تبریزی در قرن یازدهم شاعر بزرگی در عرصه شعر فارسی نداشته‌ایم. البته شاعران معروفی نظیر کلیم کاشانی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، حزین لاهیجی، هاتف اصفهانی، وصال شیرازی، قائم مقام فراهانی، قآنی شیرازی و فروغی بسطامی نیز بوده‌اند ولی شاید بتوان گفت که تعداد آثار خوب آنها بسیار کم است. در دوران پادشاهی قاجار، تعداد شاعران زیاد ولی تعداد شعرهای خوب بسیار اندک بود. مضامین نو و دلپذیر و اشعار دلپسند در این دوره ناچیز بود. در دوره قاجار، شعر فارسی درگیر در جازدن‌ها و تکرار مضمون‌های قدیمی و تکراری و خالی از لطف و لفاظی‌ها و فضل‌فروشی‌های عاری از نواندیشی و نوگرایی و پیشرفت شده بود. اهل علم و ادب نیازی مبرم به ایجاد تحول در شعر فارسی را احساس می‌کردند. آشنایی ایرانیان با تحولات اجتماعی و ادبی جهانی و ظهور فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در دوران مشروطه، زمینه را برای چنین تحولی آماده کرد. اندیشمندان و شاعران آگاه در اواخر دوره پادشاهی قاجار و اوایل دوره پادشاهی پهلوی (اوایل دوره معاصر)

نیازی عمیق به تغییر، کنار گذاشتن مضامین تکراری و پرداختن به مضامین تازه مرتبط با مسائل اجتماعی و انسانی را احساس می‌کردند.

دلیل دوم تحول در شعر فارسی تحولات بزرگ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دوره قاجار و پهلوی و به ویژه در دوره جنبش مشروطیت بود (یا حقی، ۱۳۸۹، ص ۱۳). این تحولات و پدید آمدن دیدگاه‌های تازه باعث شد شعر فارسی نیز دستخوش تحولات عمیقی بشود.

دلیل سوم تحول در شعر فارسی آشنایی اندیشمندان و شاعران ایرانی با ادبیات جهان از طریق چهره‌های متجدد و اندیشمندان سفر کرده به خارج از ایران و به ویژه اروپا بود که به تدریج ایرانیان را با تحول شعر در عرصه جهانی آشنا کرد و زمینه را برای تغییر شعر فارسی مساعد ساخت. پادشاهان قاجار عموماً تمایل به قدرت استبدادی داشتند و تحت نفوذ اطرافیان نادان، فرصت طلب و کینه توز خود در بسیاری از موارد سد راه پیشرفت کشور می‌شدند و چهره‌های دلسوز و فرهیخته را از میدان فعالیت و قدرت بیرون می‌رانند. پس از سقوط کریم خان زند، پادشاه سلسله زندیه، اوضاع کشور دچار پریشانی شد و رقابت برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد. آغا محمد خان قاجار با زیرکی سیاسی و نظامی خود توانست مانع از رسیدن لطفعلی خان زند، فرزند کریم خان زند و شاهزاده‌ای شایسته، کاردان و فرهیخته، به پادشاهی شود و پس از جنگ‌های بسیار در سال ۱۱۶۱ هجری شمسی تاجگذاری کرد و اولین پادشاه قاجار شد. پس از او برادرزاده اش فتحعلی شاه به پادشاهی رسید. پادشاهان قاجار عبارتند از: آغا محمد خان، فتحعلی شاه، محمد شاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه.

اعزام ایرانیان به خارج و آشنایی ایرانیان با علم و ادبیات جهانی از زمان عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه قاجار و اصلاحات او و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، وزیر داناى شاه آغاز شد (عابدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). این اصلاحات توسط میرزا تقی خان امیر کبیر، وزیر دانشمند ناصرالدین شاه قاجار ادامه یافت و ایرانیان بیشتری برای کسب علوم و فنون اجتماعی و ادبی روانه خارج شدند. او همچنین اولین مدرسه به معنای امروزی در ایران را با نام دارالفنون تاسیس کرد. با این حال چنان که در حکومت‌های استبدادی رایج است هر دو وزیر فرهیخته به توطئه اطرافیان دو پادشاه مذکور و به دستور این پادشاهان کشته شدند و تلاش‌های آنان ناتمام ماند.

پس از قتل امیر کبیر در زمان ناصرالدین شاه قاجار و افزایش استبداد سلطنتی در دوره طولانی سلطنت، میزان نارضایتی عمومی افزایش یافت. نوشته‌های روشنفکرانی مانند حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، عبدالرحیم طالبوف، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و دیگران زمینه‌های مشروطه‌خواهی را فراهم آورد. سخنرانی‌های چهره‌های روحانی مشروطه خواه، سیدجمال واعظ و ملک‌المکلمین، توده مردم مذهبی را با اندیشه آزادی و مشروطه آشنا می‌کرد. نشریاتی مانند حبل‌المتین، چهره‌نما، حکمت و کمی بعد ملا نصرالدین که همه در خارج از ایران منتشر می‌شدند نیز در گسترش آزادی‌خواهی و مخالفت

با استبداد نقش مهمی داشتند. کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ستم و نتیجه تعلیمات سیدجمال الدین اسدآبادی دانسته بود، به پیشبرد مشروطه‌خواهی کمک کرد.

پس از به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه قاجار فعالیت‌های آزادیخواهانه بیشتر شد. مظفرالدین شاه به نظر بعضی از محققان باهوش نبود و رفتاری کودکانه داشت و زندگی در بیماری و ترس می‌گذشت ولی از دید بسیاری از افراد آدمی سلیم‌النفس محسوب می‌شد (عابدی، ۱۳۹۴، ص ۲۳). در دوره پادشاهی او، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به رهبری چهره‌های دینی و ملی شناخته‌شده نظیر سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، میرزا نصرالله اصفهانی (ملک‌المتکلمین)، جمال‌الدین واعظ اصفهانی، محمد رضا مساوات، میرزا یحیی دولت‌آبادی و سید حسن تقی‌زاده و نواندیشان و عالمانی نظیر میرزا جهانگیرخان شیرازی (صور اسرافیل) و علی اکبر دهخدا گسترش یافت و منتهی به جنبش مشروطه شد و پس از فراز و نشیب‌های بسیار سرانجام در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) فرمان مشروطیت، یعنی اقتدار قانون اساسی، به دست مظفرالدین شاه قاجار امضاء شد.

مظفرالدین شاه ده روز پس از امضای حکم مشروطیت درگذشت و پسرش محمد علی شاه به جای او نشست. او به پادشاهی استبدادی که شکل عرفی و سنتی حکومت بود گرایش داشت. اندکی بعد در پی بالا گرفتن مخالفت‌های او با مشروطه‌خواهان و به ویژه پس از حادثه حمله تندروها به کالسکه شاه، او خشمگین شد و در سال ۱۲۸۷ به سربازان تحت امر خود که از نیروهای قزاق روسی و سربازان تعلیم‌دیده توسط آنان بودند دستور داد که مجلس را به توپ ببندند. همچنین تعدادی از مشروطه‌خواهان دستگیر شدند و بعضی از آنها نظیر ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل و جمال‌الدین واعظ به طرز فجیع اعدام شدند و عده‌ای دیگر زندانی یا تبعید شدند. این دوره که به استبداد صغیر موسوم است چندان ادامه نیافت. نیروهای مردمی از تیریز به رهبری ستارخان و باقرخان و همچنین نیروهای بختیاری و گیلانی از اصفهان و رشت به فرماندهی سردار اسعد بختیاری و سپهدار تنکابنی به تهران آمدند و با نیروهای دولتی و قزاق درگیر شدند. محمد علی شاه به سفارت روسیه پناهنده و شیخ فضل‌الله نوری از روحانیون تراز اول و حامی محمد علی شاه اعدام شد. پس از این اتفاقات نهایتاً محمد علی شاه از سلطنت خلع شد و پسر کم سن و سالش احمد شاه به جای او نشست.

هشت روز پس از تاجگذاری احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار، جنگ جهانی اول آغاز شد. نخست‌وزیر وقت ایران بلافاصله پس از آغاز جنگ، بی‌طرفی کامل خود را اعلام کرد اما دولت‌های دو طرف درگیر جنگ، یعنی روسیه از یک سو و دولت عثمانی با حمایت آلمان از سوی دیگر این بی‌طرفی را نادیده گرفتند و نیروهای خود را وارد ایران کردند. روس‌ها از بندر انزلی تا اصفهان را میدان یورش خود قرار دادند و عثمانی‌ها از مرزهای غرب کشور تا مرکز شهر



همدان پیشروی کردند. حمله روس‌ها تا نزدیکی تهران باعث تعطیلی مجلس شد ولی آنها از اشغال تهران و پایان دادن به کار سلسله قاجار منصرف شدند و به قزوین عقب‌نشینی کردند. جنگ جهانی اول از سال ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ خورشیدی (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی) طول کشید و به روایت بعضی از محققان چند میلیون نفر از جمعیت ایران در اثر جنگ، قحطی و بیماری مردند (مجد، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

طی چند سال پس از این رویداد، صحنه اجتماعی و سیاسی ایران شاهد فعالیت‌های پیچیده و آشفته‌ای بود و به دلیل تاثیرگذاری سیاست‌های کشورهای خارجی، چند دستگی فعالان داخلی و آماده نبودن فضای فرهنگی و اجتماعی برای تثبیت مردم‌سالاری (دموکراسی) به تدریج زمینه برای خلع احمد شاه از سلطنت و اعلام سلطنت پهلوی توسط رضاخان میرپنج، موسوم به سردار سپه و بعد رضاشاه پهلوی، در سال ۱۳۰۵ آماده شد. رضاشاه در ایجاد ارتش یکپارچه و سرکوب قدرت‌های محلی بسیار موفق بود. او دست به اصلاحاتی زد که میان آنها می‌توان به ساخت راه آهن سراسری در فاصله سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷، تاسیس بانک ملی ایران در سال ۱۳۰۷ و تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ اشاره کرد. در دوران حکومت او جنبه‌های دینی ایران که پس از حمله اعراب به ایران و شروع دوره اسلامی و یک بار دیگر پس از حکومت صفوی و اقتدار تشیع اهمیتی اساسی یافته بود به حاشیه رفت و جنبه‌های ملی و وجهه تاریخی و فرهنگی ایران پیش از اسلام مورد تاکید قرار گرفت. این موضوع نارضایتی‌هایی را در بین روحانیون برانگیخت. همچنین در دوره رضاشاه تعدادی از منتقدان سیاسی و چهره‌های فرهنگی و ادبی با گرایش‌های مختلف سرکوب، زندانی یا تبعید شدند و تعدادی نیز به قتل رسیدند که از میان آنها می‌توان به دو شاعر معروف، میرزاده عشقی و فرخی یزدی اشاره کرد.

در دوره جنگ جهانی دوم، ایران اعلام بی‌طرفی در جنگ کرد ولی مدتی بعد در شهریور ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ میلادی) نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از شمال و نیروهای بریتانیا از جنوب به بهانه حضور تعداد زیاد کارشناسان آلمانی، به ایران حمله کردند و به بمباران و اشغال شهرها پرداختند. در پی مذاکرات سیاستمداران ایرانی با مقامات نیروهای متفقین، مقدمات کار برای استعفای رضاشاه و انتقال قدرت به پسرش محمدرضاشاه پهلوی آماده شد. نیروهای متفقین تهران را اشغال کردند و رضاشاه استعفا داد و به جزیره موریس، جمهوری موریس در جنوب غربی اقیانوس هند نزدیک ماداگاسکار، تبعید شد و پسرش قدرت را در دست گرفت و بر اساس توافقی قرار شد نیروهای متفقین پس از پایان جنگ جهانی دوم ایران را ترک کنند. در پی اشغال نظامی ایران در این دوران، کشور دچار قحطی، بیماری‌های همه‌گیر و مشکلات اجتماعی از جمله افزایش جرم و جنایت و اعتیاد شد و شمار بسیار زیادی از ایرانیان جان باختند.

بررسی دوره سلطنت محمدرضا شاه نشان می‌دهد که او از آغاز حکومت، در آرزوی قدرتی استبدادی و مطلق بوده است. این قدرت‌طلبی او در مواجهه با سیاستمدارانی نظیر دکتر محمد

مصدق به تدریج خود را نشان داد. دکتر مصدق که در زمان رضاشاه خانه‌نشین شده بود پس از فعالیت‌های بسیار توانست در مقام نمایندگی مجلس در ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را به تصویب برساند. او در سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید و در سال ۱۳۳۲ با کودتای نظامی عوامل محمدرضاشاه و با حمایت آمریکا برکنار و دستگیر شد و در خانه‌اش در احمدآباد قزوین در حصر خانگی قرار گرفت و چند سال بعد در سکوت و بی‌خبری درگذشت. محمدرضاشاه از نیمه دهه ۱۳۴۰ اقدامات شدیدی را در جهت دستیابی به قدرت استبدادی انجام داد و به سرکوب و کشتار مخالفان پرداخت. اقدامات او باعث اعتراض ناراضیان بسیاری از نگرش‌های مختلف شد. اقشار دینی به رهبری آیت الله سید روح الله موسوی خمینی و احزاب مختلف با گرایش‌های عقیدتی متفاوت همگی به تدریج به دشمنان شاه تبدیل شدند و پس از سال‌ها اختناق، سرکوب و کشتار سرانجام انقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی) به پیروزی رسید و دوران پادشاهی در ایران پایان گرفت و حکومت جمهوری اسلامی در ایران برقرار شد.

دو سال بعد از انقلاب در ایران، صدام حسین که در عراق قدرت را در دست داشت با ارتشی مجهز به ایران حمله کرد. در اوایل جنگ شهرها و روستاهای زیادی از ایران اشغال شد و افراد زیادی کشته شدند. با این حال در پی دفاع و دلاوری‌های کم‌نظیر مردم و نیروهای نظامی، به تدریج تمام نواحی اشغال شده بازپس گرفته شد. این جنگ ویرانگر هشت سال طول کشید و انبوهی از کشته، زخمی، معلول و مشکلات اقتصادی و اجتماعی برجانهاد. ایرانیان آغازگر جنگ نبودند ولی در تمام طول جنگ با رشادت از میهن خود دفاع کردند و از این رو در بسیاری از متون و آثار ادبی به جای جنگ از عبارت دفاع مقدس استفاده شده است. تاثیر این دفاع مقدس بر ادبیات و به ویژه شعر فارسی بسیار بارز است و می‌توان در سال‌های جنگ و چند سال پس از آن جریانی را در ادبیات تشخیص داد که بعضی از تحلیلگران به آن ادبیات دفاع مقدس می‌گویند.

صنعت چاپ در ایران قدمتی دیرینه دارد ولی اولین چاپخانه مدرن در ایران به معنای امروزی که برای چاپ کتاب و روزنامه به کار رفت به دستور عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه قاجار، با دستگاه‌های وارداتی در تبریز راه‌اندازی شد و بعد چاپخانه‌هایی هم در تهران تاسیس شدند. با پیدایش چاپخانه‌ها، روزنامه‌نگاری و چاپ نشریات در ایران آغاز شد و رونق گرفت. در اواخر دوره مشروطه (سال‌های نزدیک به امضای فرمان مشروطیت و چند سال پس از آن) چند نشریه ایرانی به انتشار شعر و مسائل مربوط به آن می‌پرداختند که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: روزنامه ادب (۱۲۷۹ شمسی، محمد صادق ادیب‌الممالک فراهانی)، روزنامه نسیم شمال (۱۲۸۵ خورشیدی، سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی)، مجله بهار (۱۲۸۹ خورشیدی، یوسف اعتصامی معروف به اعتصام‌الملک)، مجله دانشکده (۱۲۷۹ خورشیدی، ملک‌الشعراء بهار)، مجله ارمغان (۱۲۹۸ خورشیدی، حسن وحید دستگردی)، روزنامه طوفان (۱۳۰۰ خورشیدی، محمد

فرخی یزدی)، روزنامه قرن بیستم (۱۳۰۱ خورشیدی، میرزاده عشقی)، مجله سپیده دم (۱۳۰۱ خورشیدی، لطفعلی صورنگر) و مجله آینده (۱۳۰۴ خورشیدی، محمود افشار یزدی). از شاعران پرکار دوره مشروطه می توان به اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال)، ادیب الممالک فراهانی، ایرج میرزا، ملک الشعراء بهار، عارف قزوینی، ابوالقاسم لاهوتی، محمد فرخی یزدی، میرزاده عشقی و علی اکبر دهخدا اشاره کرد.

دوره گذار از پادشاهی قاجار به پادشاهی پهلوی و گذار از قرن سیزده به قرن چهارده هجری شمسی مصادف با آغاز تحولات بزرگ در ادبیات و به ویژه شعر فارسی است. در پی این تحولات، زمینه برای گذار از شعر سنتی به شعر نو و سپس شعر آزاد و تغییر نگرش از سنتی به نوین آماده شد. با استعفای اجباری رضاشاه و آغاز پادشاهی محمدرضاشاه پهلوی و خروج نیروهای متفکین از ایران، شعر فارسی به مرحله ای نوین وارد شد. آزادی نسبی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمینه را برای تحول شعر مساعد کرد و علی اسفندیاری که نام نیما یوشیج را برای خود برگزید دست به نوآوری در شعر و معرفی شعر نو فارسی زد. او از میان عناصر شعر فقط وزن سنتی عروضی را حفظ کرد و به قافیه نیز حالتی اختیاری بخشید. به این ترتیب شاعران در کوتاه یا بلند بودن هر سطر از شعر آزاد بودند و محدودیت های قافیه و قالب را نداشتند. نیما معتقد بود که شاعران به این شیوه از قید و بند مفرط شعر رها می شوند و در عین حال زیبایی شعر هم حفظ می شود. در ابتدا این اقدام نیما با مخالفت گسترده و عمیق اهل ادب مواجه شد ولی به تدریج تعدادی از شاعران راه نیما را در پیش گرفتند یا اینکه اشعاری به سیوه شعر نو سرودند، از جمله هوشنگ ابتهاج، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، احمد شاملو، محمد حسین شهریار، فروغ فرخزاد و گلچین گیلانی.

از دهه ۱۳۲۰ به بعد احمد شاملو و بعد شاعران دیگر به سرودن شعر آزاد که به شعر سپید معروف شد پرداختند. شاملو شرط وزن عروضی را نیز از شعر برداشت و آن را به نثر نزدیک کرد. ولی باید توجه داشت که شعر آزاد اساساً با نثر متفاوت است و دارای وزن یا آهنگی است که آن را از نثر متفاوت می کند. پس از معرفی شعر آزاد شاعران جوان زیادی به سرودن شعر به این شیوه پرداختند و امروزه نیز این شکل از شعر طرفداران زیادی دارد.

به طور خلاصه در عرصه شعر معاصر فارسی سه جریان را می شود متمایز کرد که عبارتند از: ادامه شعر سنتی (کلاسیک)، شعر نو و شعر آزاد (سپید). امروزه هر کدام از این سه جریان شاعران و طرفداران خود را دارد و در هر سه جریان کتاب ها و اشعاری چاپ و خوانده می شود. در حوزه شعر سنتی، هر چند که اصول شعر عروضی (سنتی) حفظ شده است اما در اکثر موارد، بیان شعر بیانی امروزی است و از بیان قدیمی و زبان قدیمی فاصله گرفته است. شعر نو نیز با آنکه نسبت به قبل طرفداران بسیار کمتری دارد ولی همچنان رایج است. شعر آزاد یا سپید نیز شاید پرطرفدارترین جریان امروزی در شعر فارسی است.

در شعر معاصر فارسی می توان جریان های ادبی مختلفی را یافت که هر جریان منتهی به پیدایش

گونه (ژانر) جدیدی شده است. این جریان‌ها یا در نتیجه تحولات اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند یا حاصل فعالیت گروهی از شاعران هم‌دیدگاه و هم‌سلیقه بوده‌اند. یکی از این جریان‌ها یا گونه‌ها شعر آزادیخواهانه است که در دوره مشروطه، موسوم به دوره بیداری شکوفا شد و پس از آن نیز ادامه یافت. شاعران دوره بیداری هم‌سو با تحولات اجتماعی و سیاسی به دنبال آزادی، مبارزه با استبداد و حل مشکلات و نابرابری‌های اجتماعی بودند. مضامینی مثل مبارزه با ظلم، مبارزه با استبداد (دیکتاتوری)، مبارزه با نابرابری اجتماعی، مبارزه با بی‌عدالتی، مبارزه با نابرابری جنسیتی، مبارزه با تزویر (دورویی) و ارزش‌های آزادیخواهانه به فور در اشعار شاعران این جریان دیده می‌شود. در حوزه جریان آزادیخواهانه، از شاعران دوره بیداری و پس از آن می‌توانیم به موارد زیر اشاره کرد: اشرف‌الدین حسینی گیلانی (نسیم شمال)، ملک‌الشعراء بهار، عارف قزوینی، محمد فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده عشقی و احمد شاملو.

یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی جریان شعر انقلاب است. با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و تقویت ارزش‌های دینی، ملی و اخلاقی، شاعرانی از تحولات این سال‌ها تاثیر گرفتند و مضامینی مرتبط با ارزش‌های انقلابی به وفور در شعر آنان دیده شد. از شاعران این جریان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: قیصر امین‌پور، مهرداد اوستا، حمید سبزواری، سید حسن حسینی، سلمان هراتی، سهیل محمودی، علی معلم، فاطمه راکعی، طاهره صفارزاده، علیرضا قزوه، ساعد باقری، عبدالجبار کاکائی، یوسفعلی میرشکاک، نصرالله مردانی و احمد عزیزی. از ویژگی‌های این جریان شعر انقلاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توجه دوباره به قالب‌های شعر سنتی فارسی، انعکاس معارف اسلامی، روحیه حماسی و روحیه عرفانی.

شعر دفاع مقدس یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی است. جنگ هشت ساله ایران و عراق که مشکلات و رنج‌های بسیاری را برای مردمان به همراه داشت در کنار مصایب و رویدادهای غم‌انگیز ارزش‌هایی را هم در ارتباط با دفاع از میهن و جنبه‌های دینی و دلاوری‌های فرزندان این مرز و بوم به نمایش گذاشت و برجسته کرد. در شعر شاعران حوزه دفاع مقدس بر این ارزش‌ها تاکید شده است. از میان شاعران دفاع مقدس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، سید حسن حسینی، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، محمد رضا عبدالملکیان، احمد عزیزی و سعید بیابانکی. در جریان شعر دفاع مقدس بر ویژگی‌هایی مثل ارزش‌ها و معارف دینی، ارزش‌های وطن‌پرستانه و روحیه حماسی و دلاوری تاکید شده است.

یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی شعر زن‌گرایانه (فمینیستی) است. در دوره معاصر فعالیت‌های زنان و مردان در زمینه حقوق زنان و از بین بردن تبعیض‌ها و رنج‌های زنان که پیشینه تاریخی طولانی دارد بسیار چشمگیر بوده است. این فعالیت‌ها در قرن معاصر در کشور ما نیز رشد قابل توجهی داشته است. در دوره معاصر شاعران زن توانستند پس از قرن‌ها از احساسات،

گونه (ژانر) جدیدی شده است. این جریان‌ها یا در نتیجه تحولات اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند یا حاصل فعالیت گروهی از شاعران هم‌دیدگاه و هم‌سلیقه بوده‌اند. یکی از این جریان‌ها یا گونه‌ها شعر آزادیخواهانه است که در دوره مشروطه، موسوم به دوره بیداری شکوفا شد و پس از آن نیز ادامه یافت. شاعران دوره بیداری هم‌سو با تحولات اجتماعی و سیاسی به دنبال آزادی، مبارزه با استبداد و حل مشکلات و نابرابری‌های اجتماعی بودند. مضامینی مثل مبارزه با ظلم، مبارزه با استبداد (دیکتاتوری)، مبارزه با نابرابری اجتماعی، مبارزه با بی‌عدالتی، مبارزه با نابرابری جنسیتی، مبارزه با تزویر (دورویی) و ارزش‌های آزادیخواهانه به فور در اشعار شاعران این جریان دیده می‌شود. در حوزه جریان آزادیخواهانه، از شاعران دوره بیداری و پس از آن می‌توانیم به موارد زیر اشاره کرد: اشرف‌الدین حسینی گیلانی (نسیم شمال)، ملک‌الشعراء بهار، عارف قزوینی، محمد فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده عشقی و احمد شاملو.

یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی جریان شعر انقلاب است. با شکل‌گیری و پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و تقویت ارزش‌های دینی، ملی و اخلاقی، شاعرانی از تحولات این سال‌ها تاثیر گرفتند و مضامینی مرتبط با ارزش‌های انقلابی به وفور در شعر آنان دیده شد. از شاعران این جریان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: قیصر امین پور، مهرداد اوستا، حمید سبزواری، سید حسن حسینی، سلمان هراتی، سهیل محمودی، علی معلم، فاطمه راکعی، طاهره صفارزاده، علیرضا قزوه، ساعد باقری، عبدالجبار کاکائی، یوسفعلی میرشکاک، نصرالله مردانی و احمد عزیزی. از ویژگی‌های جریان شعر انقلاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توجه دوباره به قالب‌های شعر سنتی فارسی، انعکاس معارف اسلامی، روحیه حماسی و روحیه عرفانی.

شعر دفاع مقدس یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی است. جنگ هشت ساله ایران و عراق که مشکلات و رنج‌های بسیاری را برای مردمان به همراه داشت در کنار مصایب و رویدادهای غم‌انگیز ارزش‌هایی را هم در ارتباط با دفاع از میهن و جنبه‌های دینی و دلاوری‌های فرزندان این مرز و بوم به نمایش گذاشت و برجسته کرد. در شعر شاعران حوزه دفاع مقدس بر این ارزش‌ها تاکید شده است. از میان شاعران دفاع مقدس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، سید حسن حسینی، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، محمد رضا عبدالملکیان، احمد عزیزی و سعید بیابانکی. در جریان شعر دفاع مقدس بر ویژگی‌هایی مثل ارزش‌ها و معارف دینی، ارزش‌های وطن‌پرستانه و روحیه حماسی و دلاوری تاکید شده است.

یکی دیگر از جریان‌های شعر معاصر فارسی شعر زن‌گرایانه (فمینیستی) است. در دوره معاصر فعالیت‌های زنان و مردان در زمینه حقوق زنان و از بین بردن تبعیض‌ها و رنج‌های زنان که پیشینه تاریخی طولانی دارد بسیار چشمگیر بوده است. این فعالیت‌ها در قرن معاصر در کشور ما نیز رشد قابل توجهی داشته است. در دوره معاصر شاعران زن توانستند پس از قرن‌ها از احساسات،

نابرابری‌ها و رنج‌های مربوط به زنان در شعر خود سخن بگویند. از شاعرانی که در دوره معاصر شعرهای زن‌گرایانه سروده‌اند می‌توان به عالم‌تاج قائم‌مقامی (ژاله)، پروین اعتصامی، ژاله اصفهانی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی اشاره کرد.

بعضی از جریان‌های شعر فارسی بیشتر از آنکه به واسطه تحلیل منتقدان ادبی و پژوهشگران معروف شوند به دلیل جلسات گروهی و نظریه‌پردازی خود شاعران بر سر زبان‌ها افتاده‌اند. یکی از این جریان‌ها جریان موج نو است. در موج نو گرایشی افراطی به طرد وزن و موسیقی شعر، اعم از سنتی، شهر نو‌نیمایی و شعر آزاد یا سپید شاملویی، و نزدیک شدن به نثر دیده می‌شود. از ویژگی‌های این جریان می‌توان به فاصله گرفتن از موسیقی و نزدیک شدن به نثر، بیان مبهم و معنای نامشخص، استفاده از تصاویر و توصیفات انتزاعی اشاره کرد. از شاعران معروف این جریان می‌توان به احمد رضا احمدی و بیژن الهی اشاره کرد. اشعار جریان موج نو هم در آغاز این حرکت هم در سال‌های بعد مورد انتقاد منتقدان و منقدان مختلفی قرار گرفته است. جریان دیگر از این دست جریان شعر حجم است. چند تن از شاعران جدا شده از جریان موج نو به همراه چند شاعر دیگر مبنایی نظری برای جریان شعر حجم اندیشیدند و بیانیه‌ای نیز در این زمینه منتشر کردند. آنها معتقد بودند میان واقعیت و ماورای آن فاصله‌ای وجود دارد که شاعر حجم‌گرا با یک جست سریع و در سه بُعد یعنی از عرض، از طول و از عمق (ارتفاع) آن را طی می‌کند و خواننده نیز برای درک شعر حجم باید بتواند این جهش را به همان صورت انجام دهد. آشنایی زدایی و گریز از هنجارهای نحوی زبان از مشخصه‌های شعر حجم‌گرا به شمار می‌رود. ضعف محتوا و فقدان مفهوم روشن و ویژگی دیگر این جریان هستند. از شاعران معروف این جریان می‌توان به یدالله رویایی اشاره کرد. جریان شعر ناب پس از جریان شعر حجم معرفی شد و مشابهت‌هایی با آن دارد. در جریان شعر ناب توجه به عناصر غیرشاعرانه و وابستگی به تفکر یا جهان بینی خاص رد می‌شود. از شاعران این جریان می‌توان به هرمز علی‌پور و سید علی صالحی اشاره کرد. جریان دیگر جریان شعر حرکت است. در این جریان اعتقاد بر این است که حرکت جوهره درک هر فضایی است و می‌تواند به شکل فیزیکی یا خیالی باشد. هرگاه ذهن انسان از فضایی خاص جدا شود و به فضایی دیگر وارد گردد، این حرکت بوده است که چنین تغییر مکانی را امکان‌پذیر کرده است. شاعر از طریق ایجاد فضا قصد دارد احساسات، اندیشه‌ها و نگرش خاص خود را در موردی خاص در معرض دید عموم قرار دهد. نگرش او به دنیا را حرکت ایجاد کرده است پس فضایی که او شکل می‌دهد تنها از طریق حرکت قابل درک است. در شعر حرکت، یکی از عناصر سازنده شعر به غیر از خودش استحاله می‌شود، که از آن به عنوان «حرکت» یاد می‌شود. از شاعران این جریان می‌توان به ابوالفضل پاشا و مهرداد فلاح اشاره کرد.

جریان شعر مدرن (نوین) در ایران گستره وسیعی را از تلاش‌های نیمایوشیج برای تثبیت شعر نو تا اشعار شاعران جوان بر پایه ویژگی‌های جامعه مدرن در بر می‌گیرد. به علت پیچیدگی تمدن مدرن



شعر مدرن هم پیچیده است. در نگرش مدرن علم نقشی محوری دارد و دیدگاه علمی فقط خاص دانشمندان نیست بلکه مردم عادی، نویسندگان و شاعران نیز همین دیدگاه را دارند. دیدگاه مدرن گذشته را نفی می‌کند و به دنبال دنیایی نو با ویژگی‌های نو است. از میان شاعران معروف جریان شعر مدرن در ایران می‌توان به نیمایوشیج، احمد شاملو، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری اشاره کرد. جریان شعر پسانوین (پُست مدرن) پس از جریان شعر مدرن در شعر فارسی پدید آمد. از ویژگی‌های اصلی شعر پسانوین می‌توان به ساختارشکنی، معناگرایی، هنجارگریزی افراطی، چندصدایی، تکه‌چسبانی (کلاژ) و اژه‌ها، بی‌نظمی در بیان، ذهنیت‌گرایی، انتزاع‌گرایی و جریان سیال ذهن اشاره کرد. از میان شاعران این جریان می‌توان به رضا براهنی، علی باباچاهی و سید مهدی موسوی اشاره کرد.

بعضی از پژوهشگران معتقدند که شعر فارسی در دهه‌های اخیر نتوانسته است در جذب مخاطبان عام با موفقیت عمل کند. شاید دلیل این امر درک نادرست شاعران از نیازهای ادبی و زیبایی‌شناختی خوانندگان شعر باشد. بدیهی است که اگر خوانندگان در درک محتوای شعر و معنا با پیچیدگی مفرط و بی‌معنایی مواجه شوند، شعر مخاطبان خود را از دست می‌دهد و دچار بحران می‌گردد. ریشه‌های بحران شعر فارسی را باید هم در فرم هم در محتوا جستجو کرد.

در جمع‌بندی این مبحث باید گفت که شعر فارسی در دوره معاصر تغییرات اساسی و تحولات بنیادی را شاهد بوده است. این تحولات باعث تحرک دوباره شعر فارسی و پدید آمدن آثاری دلپسند شده است. اشعار خوب دوره معاصر از لحاظ کمی و کیفی در مقایسه با چند قرن قبلی بیشتر و بهتر است. البته این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که در دوره معاصر آثار ضعیف و بی‌کیفیت زیادی منتشر می‌شود ولی در کنار آن باید به پدید آمدن دیدگاه‌های تازه، سروده شدن نمونه‌هایی دلپذیر از شعر فارسی و استقبال مخاطبان، به ویژه جوان‌ها، از شعرهای خواندنی دوره معاصر توجه کرد.



درس اول

## ملک الشعراء بهار

زندگی و ادب و هنر و بیان بهار

زندگی و ادب و هنر و بیان بهار

محمد تقی صبوری، مشهور به ملک الشعراء بهار، شاعر و همچنین نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاست‌مداری معروف بود. او در سال ۱۲۶۵ هجری خورشیدی در مشهد زاده شد (بهار، ۱۳۸۷، ص ۷). پدرش محمد کاظم صبوری، ملک الشعراء آستان قدس رضوی در مشهد و مادرش از خانواده‌ای اهل گرجستان بود و چندین سال پیش به ایران آمده بود (میرانصاری، ۱۳۷۶، ص ۳). بهار در چهار سالگی به مکتب‌خانه رفت و از هفت سالگی نزد پدر به خواندن شاهنامه پرداخت. پس از آن نزد چند مدرس مشهور به آموختن ریاضیات، منطق، دانش ادبی فارسی و زبان عربی پرداخت. بهار در جوانی مهارت بسیار در شاعری یافت. او در چهارده سالگی به همراه پدر به مجالس آزادخواهان راه یافت و مدتی بعد با گسترش فعالیت‌های آزادخواهانه، او نیز در سال ۱۲۸۵ به جمع مشروطه‌خواهان خراسان پیوست (عابدی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). او چند سال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، ابتدا در مشهد و سپس در تهران فعال بود. او پس از مرگ پدرش، در هجده سالگی لقب ملک الشعرائی آستان قدس رضوی را از مظفرالدین شاه قاجار دریافت کرد (بهار، ۱۳۸۷، ص ۷).

اولین آثار ادبی و سیاسی بهار بدون اسم در روزنامه "خراسان" که آن را با کمک دوستانش منتشر می‌کرد به چاپ می‌رسید. بهار در سال‌های فعالیت روزنامه‌نگاری خود، دو روزنامه به نام‌های "نوبهار" (میرانصاری، ۱۳۷۶، ص ۳) و "تازه بهار" و در سال ۱۲۹۷ شمسی مجله‌ای ادبی به نام "دانشکده" منتشر کرده است. او در دوره پادشاهی پهلوی، از طرف مردم چند شهر استان خراسان چند دوره نماینده مجلس شد (همان، ص ۴). بهار پس از دوره ششم مجلس از سیاست کناره‌گیری کرد و به امور فرهنگی و ادبی روی آورد و مدتی بعد صاحب کرسی سبک‌شناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. او در سال ۱۳۱۴ با تشکیل فرهنگستان زبان ایران عضو آن شد و در سال‌های بعد عمدتاً به تدریس در دانشگاه و تالیف آثار علمی پرداخت (همان، ص ۵). آثار بهار در زمینه‌های علمی، ادبی و اجتماعی بسیار متنوع است. مهم‌ترین اثر منظوم بهار "دیوان اشعار" اوست. تصنیف‌های بهار نیز بسیار مشهورند. محمد تقی بهار در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ اثر بیماری سل در تهران زندگی را بدرود گفت و در شمیران در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد (همان، ص ۶). دو نمونه از شعرهای بهار در ادامه آمده است.





University of Tehran  
Dehkoda Lexicon Institute &  
International Center for Persian Studies

# Contemporary Poetry of Iran

For the Foreign Learners of Persian

Ziya Qasemi, PhD